نگاهی دیگر به جنبش دانشجویی ایران

علی صمد

بررسی مجدد وضعیت جنبش دانشجویی بویژه در دور جدید فعالیت‌های اعتراضی آنان در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۸۱، نکات مهم و ویژه‌ای را برجسته می‌کند که توجه به آن‌ها می‌تواند ما را در تحلیل و نقد روند تازه آغازشده، در میان دانشجویان و تشکل‌های آن‌ها یاری رساند. برای درک بهتر وضعیت امروز جنبش دانشجویی مناسب است مروری به گذشته این جنبش داشته باشیم. بعد از به پیروزی رسیدن و آمدن خاتمی به‌قدرت در واقع تا دو سال عرصه سیاسی در کشور، کمابیش در اختیار اصلاح‌طلبان حکومتی و سازمان‌ها نزدیک به آن‌ها قرارگرفت. اما عدم کارایی ساختارهای سیاسی و حقوقی در جمهوری اسلامی، برنامه‌ریزی‌های غلط و نابیگری اصلاح‌طلبان در پیشبرد شعارهای انتخاباتی و... همه و همه باعث کاهش و نفوذ آن‌ها در میان مردم و حتی در ارگان‌های حقوقی و قانونی رژیم شد. بعد از خیزش و سپس سرکوب جنبش دانشجویی در تیرماه ۱۳۷۸ توسط حکومت، رهبری جنبش نیز خرد ناید به تغییر سیاست فشار از پایین و محدودکرد دن جنبش نیز خرد ناید با چماقدزنی در بالا روی‌آورد و سپس با از دست دادن کنترل حرکات و اعتراضات دانشجویی در تیر ۷۸، تاکتیک «آرامش فعال» را طرح و اجراکرد. نتیجه این سیاست به یک شدیدی گشت. در واقع اینکه حادثه یکی از حساس‌ترین رویدادهای سیاسی جامعه دانشجویی کشور در اواخر دهه ۷۰ بود. حساسیت حادثه کوی دانشگاه، در این بود که دانشجویان با دقت نتایج تحولات مربوط به این حادثه را دنبال و پیگیری می‌کردند و دیدند که چگونه به جای محکوم‌کردن حمله‌کنندگان، دانشجویان به زندان فرستاده شدند و این از جنبه روحی و روانی به زیان جنبش دانشجویی تمام شد. در ضمن فضای سرد سیاسی جامعه از بعد از کوی دانشگاه، باعث سرخوردگی و انفعال بدنه و برخا نعالین تشکل‌های دانشجویی شد. البته دلایل دیگری در این انفعال نقش داشتند که ما آن‌ها رابرمی‌شماریم:

۱ – حادثه خرم‌آباد و بالارفتن هزینه و ریسک کارها و فعالیت‌های سیاسی در میان دانشجویان

۲ – برآورد، نشدن خواست‌ها و انتظارات جنبش دانشجویی از طرف اصلاح‌طلبان حکومتی و در نتیجه نوردشدن دانشجویان از آن‌ها.

۳ – افزایش اختلافات در دفتر تحکیم وحدت باعث دوری و مترودی‌شدن هر چه بیشتر طرفداران و فعالین این تشکل شد.

۴ –بحران سازمانی، فقدان یا ضعف تئوری، فقدان استراتژی مستقل و مشخص باعث تضعیف و رکود این جنبش شد.

۵ – عدم ارتباط ارگانیک و سازمانی در میان دانشجویان، باعث گردید که تجمعات دانشجویی، تنها بر بستر هیجان و تهییج امکان‌پذیر شود و بدین طریق در اعتراضات و حرکات دانشجویی گسترده و توان تشکیلاتی نیروهای دانشجویی به شدت کاهش و تضعیف شد.

۶ – عدم تقبل‌پذیری و برخورد به گذشته باعث از دست‌رفتن اعتماد میان دانشجو یان شد.

۷ – سرکوب شدید و پرونده‌سازی و تضییقات زیاد برای دانشجویان فعال، منتقد، مستقل و روشنفکر افزایش یافت و بدین طریق باعث افزایش بیش از اندازه هزینه‌های سیاسی و ریسک برای دانشجویان شد و این فعالیت‌های علنی و سیاسی دانشجویی را دچار رکود کرد.

۸ – تحلیل‌های نادرست، وابسته بودن به یک بخش از حکومت و پیروی کردن از سیاست‌های آن‌ها، باعث تضعیف بدنه و منزوی شدن جنبش دانشجویی گردید.

مجموعه عوامل باعث تقویت بحران عدم اعتماد به دفتر تحکیم وحدت و اصلاح‌طلبان حکومتی و به دنبال آن کاهش فعالیت‌های سیاسی در سطح دانشگاه‌های کشور شد.

در بین سال‌های ۸۱ – ۱۳۷۸ نقل فعالیت بخش بزرگی از فعالین دانشجویی به عرصه صنفی، فرهنگی، ورزشی و علمی کشیده شد. در این مقطع تعداد نشریات دانشجویی از ۱۴۰۰ نشریه به بیش از ۲۵۰۰ نشریه بالغ گردید. بحث و گفتگوهای وسیع در عرصه‌های گوناگون روز به روز در میان دانشجویان افزایش یافت. در این دور، بیشترین فعالیت و تلاش در عرصه فرهنگی رسانه‌ای صورت گرفته است. دانشجویان در این دو سال و اندی سعی و تلاش نمودند تا به تولید و تکر و گسترش آن از طریق رابطه میان دانشجویان و دانشگاهیان و نیز در بیرون از دانشگاه بپردازند و در ضمن در عین حال نوعی سرخوردگی و عدم اعتماد بخصوص در عرصه سیاسی در میان دانشجویان قابل مشاهده است. در واقع باید گفته شود که بخشی از فعالین دانشجویی و بویژه فعالین دانشجویی و بویژه فعالین دفتر تحکیم وحدت بعد از حادثه کوی دانشگاه، دست از فعالیت سیاسی کشیدند اما این بدین مفهوم نیست که به بی‌عملی و انفعال دچار شدند بلکه نقل فعالیت‌های خود را در عرصه‌هایی که هزینه‌کمتر باشد انتقال دادند.

آقای جلایی‌پور در این زمینه می‌گویند: «الان در دانشگاه‌های ما به جای نشست‌های بزرگ، صدها میزگرد و کارگاه‌های آموزشی تشکیل می‌شود، صدها جلسات گفتگو تشکیل شده، و اگر به مباحث این گفتگوها توجه کنید «جستجو» ماهیت این گفتگوهاست...» (گفتگو باروزنامه نوروز ۲۰ آذرماه ۱۳۸۰، ص۷).

در این دوره یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائلی که دانشجویان همواره به آن توجه و دقت کرده‌اند، مسوضوع آزادی دانشجویان در تشکیل سازمان‌های دانشجویی (غیرحکومتی) و فعالیت در آن است. در واقع دانشجویان روز به روز به اهمیت داشتن تشکیلاتی گسترده، عام و فراگیر که نماینده همه دانشجویان صر فنظر از افکار و عقاید آرای سیاسی و فکری آنان باشد را از نیازهای ضروری روز دانشجویان می‌دانند. درواقع می‌توان چنین گفت که امروز در دانشگاه‌های سراسر کشور فقدان یک سازمان واحد و سراسری دانشجویی بیش از پیش احساس می‌شود و می‌بایست تاکیدکرد که مصالح جنبش دانشجویی و استقلال دانشگاه، تشکیل چنین سازمان واحدی را در میان دانشجویان می‌طلبد متاسفانه تا لحظه کنونی دانشجویان با وقفه‌دو ن به ایجاد چنین تشکل مستقلی هنوز نتوانسته‌اند چنین سازمانی را در دانشگاه‌های کشور ایجادکنند و دفتر تحکیم وحدت با برخوردهای نحصارطلبانه هیچ‌گونه اقدامی در جهت ایجاد شرایط برای تشکیل چنین ارگانی به عمل نیاورده، است و گـاه از شکل‌گیری تشکیلاتی جلوگیری کرده است. دفتر تحکیم وحدت برخلاف تصوری که در مطبوعات دوم خردادی از او ارائه می‌شود، نتواسته نیروی بزرگ دانشجویان را به سمت فعالیت‌های خود جلب و جذب کند و حتی تغییر رهبری در دفتر تحکیم وحدت نتوانسته در تغییر این روند موثر واقع شود. در چند سال اخیر بخصوص بعد از حادثه‌ی کوی دانشگاه و خرم‌آباد، تشکل مذکور همواره با بحران هویت، سیاست و عدم اعتماد واجه شده است. درواقع تغییر رهبری و سیاست‌ها بدون برخورد انتقادی از گذشته باعث جلب اعتماد و جذب بخش‌های مختلف جنبش دانشجویی به این تشکل حتی برای انجام کارهای مشترک نشده است. البته برخورد صادقانه و انتقادی دفتر تحکیم وحدت به عدلی و دلایل رفتارهای غیردمکراتیک و انحصارطلبانه خود در بعد از انقلاب تا به امروز، می‌تواند رابطه بخش‌های مختلف جنبش دانشجویی را با این جریان ترمیم یا ایجاد، گسترش و تقویت کند و این جریان را به عنوان نیرویی دموکراتیک که نماینده یک بخش از جنبش دانشجویی است را با سیمایی تازه وارد فعالیت در سطح دانشگاه‌های کشورکند. دفتر تحکیم وحدت بخصوص بعد از فرای حادثه کوی دانشگاه و نیز انتخابات دوم ریاست جمهوری و سپس به دنبال آن نوشته شدن این جریان در سطح دانشگاه‌ها و هم‌چنین دست‌برنداشتن از برخـوردهای انحصارطبانه نسبت به دیگر تشکل‌های دانشجویی دگراندیش و عدم‌کمک به ایجاد فضایی مناسب برای دیگر طیف‌های دگراندیش دانشجویی، باعث کـاهش درصد فعالین خود و دیگر بخش‌های دانشجویی شده است. این تشکل درواقع از فردای کوی دانشگاه از انحصار تشکیلاتی پرهیز نکرد و به تنوع تکثر در درون جنبش دانشجویی کمکی نکرد و با تشکل‌های دیگر دانشجویی با مدارا و تحمل و احترام به دگراندیش در درون جنبش نیز داخت. در دو سال گذشته دفتر تحکیم وحدت با توجه به امکانات وسیع و علنی خود، ناکنون نتوانسته یا نخواسته جلوی روند کـاهش فعالیت‌های علنی سیاسی بخش‌های مختلف جنبش دانشجویی را بگیرد و همه این مسائل، همواره بـه فضای عدم اعتماد میان دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت دامن زده است و باعث گسترش و تقویت رابطه دفتر تحکیم وحدت با دانشجویان نشده است. در این عرصه تنها خود دفتر تحکیم وحدت است که می‌تواند به تقویت و تغییر این روند یاری رساند. وگرنه تصویر گذشته دفتر تحکیم وحدت در ذهن‌ها به عنوان وابستگان به حکـومت، سـازشکار، عـامل سرکوب و تصفیه دانشجویان و اساتید در محیط دانشگاه‌ها (در زمان انـقلاب فرهنگی)، دوباره در میان دانشجویان بازسازی خواهد شد و این به نفع دفتر تحکیم‌وحدت نیست.

اعتراضات دانشجویی:

اعتراضات دانشجویان در آبان و آذرماه ۱۳۸۱ آیا نشانگر این است که دانشجویان و دانشگاهیان می‌خواهند به رکود به انفعال در جنبش دانشجویی پایان دهند و به یک عبارت روح تـازه‌ای بـه این جنبش بدهند؟

در واقع حرکات اخیر، موجبی برای ابراز وجـود دانشجویان دفتر تحکیم وحدت بویژه بـا رهـبری جدید بعد از اشقاق می‌باشد. هر چند که در این حرکات اعتراضی بخش‌های دیگر جنبش دانشجویی کمابیش شرکت داشتند. دفتر تحکیم وحدت با بهانه قـراردادن حکم آقـاجری بـه اعتراض مستمجم و سراسری پرداخت و بدین طریق توانست مطالبات خود را در سراسر دانشگاه‌های کشور ابراز کند. دفتر تـحکیمی وحـدت سـعی نـمود بـا مطالبات و خواست‌هایی که دانشجویان در دو سال گذشته طرح می‌کردند وارد میدان شود ولی در ظرف دو سال فوق خواست‌ها و مطالبات دانشجویان انباشته شـده بود و باز دانشجویان با دادن شعارهای جدید نشـان دادند که خواسـت‌های آن‌ها بـه مـراتب فـراتـر از خواست‌های دفتر تـحکیم وحـدت و اصـلاح‌طلبان است. دانشجو یان با قراردادن مـوضوع آقـاجری در محور اعتراضات خود تـلاش کـردند از این حرکت به عنوان مـوضوعی بـرای از بـین‌رفتن آزادی بـیان و عرفان جمهوری واقعی و اعلام عدم اعتماد به خائنی از خواستار استعفای او شـدند) و طـرح مـطالبات دیگـر، نـهایت استفاده را بکنند. سـازماندهی و برنامه‌ریزی برای پیشبرد ایـن حرکات اعـتراضـی در سراسر کشور بسیار حساب‌شده، منطقی و پخته‌تر از گذشته صورت گرفت. در این بین به اشکال گوناگون سعی شد از کارهای شتاب‌زده، پراکنده، عصبی و تند به اصول و پرنسیپ‌های اسلامی و بخصوص بـه روحانیت با دیده احترام نگاه شود ولی این حاکمان هیچ‌گاه حرمت دانشجویان را رعایت نکـرد دانـد و نخواستند دانشجویان را از آن طـرف کـه مـی‌خواهند زندگی و فعالیت کنند بپذیرند و این یکـی از عـلل مهمی است که دیگر در سطح دانشگاه‌های کشور روحانیت حاکم دارای پایگاه توده‌ای و دانشجویی نیست. در سیستم‌های فـعالیتی دانشجویان از عمده‌ترین راه‌های مشارکتی دانشجویان محسوب می‌شود. فعالیت‌های دانشجویی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی دانشجویی است و تجمع‌ها و اعتصابات و اعتراضات دانشجویی را باید در این عرصه تحلیل کرد.

امروز چنان که مشـاهده‌کـردیم دانشجویان بـه تحرک درآمده‌اند و به نوعی در حـال پسز دن این رخوت و سکوت هستند. روحیات دانشجویی احتیاج به پیشبرد مسائل سیاسی، اجتماعی دارد و دانشجو علاوه‌بر تحصیل و فراگیری علم همواره بـه این مسائل حساس است. البته در این روند دانشجویان نباید از مجلس، دولت و احزاب دولتی اصلاح‌طلب انتظار معجزه داشته باشند بلکه با حفظ استقلال خود به نقد حاکمیت بپردازند. در حال حاضر دانشجویان دنبال انقلابی‌کردن نیستند ولی ایـن بـدین مـفهوم نیست که می‌خواهند ساکت و راکد باشند. چـنین دانشجویی از آن چا که با نهادی هم چون دانشگاه، ارتباط ارگانیک دارد، لذا حاوی آرمان‌های مدرن و پیشرفته است. دانشجویان به واسطه تبادل فکر و اندیشه و برخورد آزاد و عقاید از درک موضوعات سیاسی بهتر برمی‌آیند و بدان جهت مـی‌توانـند بـا لایه‌های پایین جامعه در ارتباط باشند. دانشجویان بعد از انقلاب از طبقات مختلف جامعه برخواسته‌اند. دانشجویان در زمره گروه‌های مرجع اجتماعی قلمداد می‌شوند. این ویژگی جنبش دانشجویی، در دوره کنونی که روند حرکت‌های دانشجویی با مشکلات و موانع زیادی روبرو گشته، می‌تواند مهم تلقی شود. زیرا آرمان‌خواهی جریانات دانشجویی در کشور موجب می‌شود با یاس و ناامیدی کـه نـقطه مـقابل آرمان‌گرایی اسـت کنار گذاشته شـود و جـنبش دانشجویی با تاسی از آرمان‌های مدرن و نوگرا در ادامه راه استوار و مصمم‌تر گام برداد.

معمولا جنبش‌های دانشجویی عامل پیونددهندهٔ میان کـانون‌های روشنفکری از یک سو جـنبش اجتماعی از دیگرسو می‌باشند. جنبش دانشجویی به واسطه این که از لایه‌های مختلف جامعه مـی‌باشند مباحث روشـنفکری بـه رسـانه‌هـای تـقریبا اجتماعی متنقل می‌کنند و به یک اعتبار بازوان قوی هـر جـنبش اجـتماعی صـحنه‌های رقـابت سـیاسی مـحسوب مـی‌شوند. دانشجویان بـاید بـا حـوزه روشنفکری جامعه در ارتباط دائم بوده، تا بلکه بدین طریق بتوانند بر ضعف تئوریک خود فائق شود.

جـنبش دانشـجویی بـا درسـگیری از گـذشته می‌بایست به اشکال مختلف رابطه خود را با بیرون دانشگاه، تنظم و گسترش دهد. یعنی این که در حین ارتباط با بیرون و اقشار دیگر جامعه به دنبالهروی از آن‌ها نپردازد. درواقع جـنبش دانشجویی بـدون ارتباط با مردم در تنهایی و انزوا بسر خواهدبرد. در انتخابات دوم خرداد، دانشگاه و دانشجویان به عنوان گروه مرجع مردم در تصمیم‌گیری عمل نمودند و به دست گرفتن فضای دانشگاه و کنترل آن می‌توان اهرم فشار سیاسی مناسبی تـلقی گـردد. در حـال حـاضر تقریبا ۶۰۰۰۰۰ ۱/۶ دانشجو در سـراسر کشـور بـه تحصیل مشغول هستند این نیروی بزرگ می‌بایست به سمت سازماندهی نوعی ارتباط با خود یا خـارج بپردازد و سپس با بسط این ارتباط ایدهها و روابط خود را گسترش دهد. زیرا در چنین شرایطی امکـان سرکوب و ضربه‌پذیری کمتر شد ز زیرا خواسـت‌هـای سیاسی و اجـتماعی دانشجویی جـهت مـردمی و عـمومی پیدا مـی‌کند. در ایـن عـرصه در گـذشته تجربیات زیـادی وجـود دارد کـه مـناسب اسـت بـه اختصار به برخی از آن‌ها بپردازیم.

– قبل از پیروزی انقلاب در مقاطع سال‌های ۵۸ – ۱۳۵۷ در دانشگاه‌های کشور در حدود ۱۷۵هزار دانشجو وجود داشته است. دانشجویان در آن مقطع زمانی توانستند شعارهای خود را از طریق ارتباط با مردم عمومی کنند و بدین ترتیب موفق شدند نیروی بزرگی از مـردم را سازماندهی و یـا تـحت تـاثیر حرکات خود قرار دهند. اگر خوب به یـادمان بـاشد دانشگاه به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی نیـروی انقلابی چپ و دموکرات و مذهبی برای سازماندهی مبارزات مردم بر علیه حکومت محمدرضا شاه پهلوی بوده است و این از تجربیات بزرگ و مفید جـنبش دانشـجویی در زمـان پـیش از انـقلاب مـحسوب می‌شود.

– بعد از انقلاب از سال ۵۹ – ۱۳۵۷، دانشگاه‌ها به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی نیروهای انقلابی چپ محسوب می‌شد و دانشجویان بـا سـازماندهی اعتراضات خود، حکومت را تحت فشار زیادی قـرار دادیـدوند و این را حکـومت اسـلامی بـه‌خوبی می‌دانست و به همین خاطر هم به انقلاب فرهنگی و سپس به پاکسازی و دستگیری دانشجویان و اساتید پرداخت و به مدت سه سـال دانشگـاه‌ها رابسـت و بدین طـریق جـلوی رشـد و گسـترش فـعالیت‌های دانشجویی راگرفت.

– در بـین سال‌های ۵۸ – ۱۳۵۷ یک نـیروی بزرگ دانشجویی در دانشگاه‌های کشور وجود دارد که رقمی در حدود ۱/۲۰۰۰۰۰ نفر دانشجو تشکیل می‌دهد. دفتر تحکیم‌وحدت و دیگـر دانشجویان دگراندیش با جلب نیروی بـزرگ جـوانـان و زنـان تـوانسـت جـنبش بـزرگی را در دانشگـاه و بـیرون دانشگاه به اشکال گوناگون بوجود آورد. این جنبش نیروی بزرگی از جوانان و زنان وکارگران و... را بـه حرکت درآورد و توانست بدین طریق یک «نـه»ی بزرگ به رهبر حکومت و نماینده‌اش دهد.

همه شواهد و مثال‌های فوق نشانگر این است که دانشجـویان بـرای گسـترش و نـفوذ آیـدههای دموکراتیک خود می‌توانند با مراجعه به مردم (اقشار و لایه‌های مختلف اجتماعی) به سازماندهی بپردازند و در سازماندهی نیروی بـزرگی را بـرای روزهـای سخت به میدان آورند. نوع و چگونگی ارتباط بـا مردم از اساسی‌ترین موضوعاتی است که دانشجویان همـواره بـاید بـه آن بـیندیشند. اگـر چـنانچه بـه اعتراضات اخیر دانشجویی توجه شود، خواهیم دیـد کـه ایـن بـار هـم اصلاح‌طلبان حکومتی، و هـم محافظه‌کاران با احتیاط زیادی نسبت بـه حـرکات دانشجویی بـرخورد کـردند. نیـروهای انتظامی از بـرخـورد جـنبش بـا دانشجویان پـرهیز کـردند و لباس‌شخصی‌ها در حین حـاضرشدن در خـیابان‌های اطراف دانشگاه، ارگان‌های انتظامی به آن‌ها اجـازه انجام عملیات ندادند و بدین طریق آن‌ها نتوانسـتند وارد دانشگاه، شوند. و یکی دیگـر از بـرخـوردهای نیروهای انتظامی این بود که سعی و تلاش زیـادی نمودند که ارتباط دانشجویان با پـیرون از دانشگـاه کاملا قطع باشد. هرچند که تنفر تحکیم وحـدت بـه هیچ‌وجهی علاقمند و حاضر به بردن اعتراضات بـه بیرون دانشگاه را نداشت. البته پیشنهادهای زیـادی برای خروج از دانشگاه صورت گـرفت ولی حـفظ آرامش تحت هر شرایطی از مختصات اغیر حـرکات دانشجویی در سراسر کشور بود، است. شاید دو سال سکوت چنین سیاسـتی را هـم مـی‌طلبید و تشـویق دانشجویان به خروج از دانشگاه، یکی از شـعارهای بسیار نادرست و افراطی در آن مـقطع بـوده، است. کسانی که‌چنین سیاست‌هایی را تبلیغ می‌کردند اصلا به فکر دانشجویان و تداوم حرکت‌های دانشجویی نبودند. یکی از جریانات افراطی سلطنت‌طلبان بودند که از طریق ماهواره‌های تلویزیونی و رادیویی دائم دانشجویان را به بیرون آوردن از دانشگاه و توسـل به حرکات خشونت‌آمیز تشویق مـی‌کردند. درواقـع همان سیاسی را تبلیغ می‌کردند کـه محـافظه‌کـاران انتظارش را داشـتند. خوشبختانه آن‌هـا را در ایـن عرصه موفق نبودند زیـرا در میـان نـیروی بـزرگ دانشجویان سلطنت‌طلبان هـیچ پشـتوانه و نـیروی ندارند. در اعتراضات اخیر، دانشجویان با طرح شعار «جمهوری واقعی» بـه جـای «جـمهوری اسـلامی» سمت‌گیری و گرایش سیاسی خود را به شکل وسیع و بوجسته اعلام‌کردند و این نشان‌دهنده، این است که سلطنت‌طلبان در میان دانشجویان نـفوذ و اعـتباری ندارند. البته این بدین مفهوم نیست که به تبلیغات و تحریکات آن‌ها از طریق ماهواره‌ها و رادیوهایی که از طرف آمریکا در اختیارشان قرار گرفته شده، است بی‌توجه باقی ماند.

لازم به تاکید است کـه بـارها تـوسط بـعضی از دانشجویان موضوع خروج از دانشگاه، طرح شد ولی خوشبختانه همه حرکات در این دور از اعتراضات تا قبل از ۱۶ آذر در محدود، دانشگـاه‌ها بـاقی مـاند. البته ما مخالف خروج از دانشگـاه بـه هـیچ‌وجهی نیستیم ولی خروج بـدون سازماندهی، بـدون آمـادگی لازم و ضروری، بدون ارتباط منظم و دائم با مردم، بدون توافق میان دانشجویان و تشکل‌های آن‌هـا و دو سال سرکوب در چنین شرایطی و احتمالات دیگر از عواملی است که فکر می‌کنیم دانشجویان در حال حاضر بدون در نظر گرفتن ایـن مـوارد نبایستی حرکات اعتراضی رابه بیرون انتقال و گسترش دهند. ولی درایت سیاسی ایجاب مـی‌کند که به موضوعات فوق توجه دقیقی صورت گیـرد و دانشجویان بـا بررسی مواد فوق است‌که می‌توانند تصمیم به خروج از دانشگاه‌ها اقدام‌کنند و نه شکل دیگری از خروج!

شده، نسل جوان کشور و از جمله دانشجویان و زنان باشند. عدم پاسخ‌گویی یا کـدی برخورد کردن بااین خواست‌های دموکراتیک، انسانی و امـروزی بـاعث این شده‌که خواست‌های دیگر طرح و انباشته شوند. درواقع پاسخ‌های ناقص حکومت بـه خـواسـت‌هـا و تمایلات جوانان و دانشجویان باعث تشدید مطالبات و افزایش پرتناب این خواسـت‌ها شـده، است و بـه یک‌عبارت این به هیچ‌وجهی با تغییر و تحول نسلی هیچ‌گونه تناسبی ندارد، با مرور زمـان تـراکم ایـن مطالبات و عدم پاسخ‌گویی بـاعث حـرکات انـفجار می‌شود.

در سطح جامعه و در دانشگاه‌ها به جای این کـه مشکلات، خواسـت‌ها، عـلایق پسـران و دختـران دانشجو درک شوند و به اعتراضات و سکوت‌ها، شادی‌ها و غم‌ها و آشـتی‌ها و قـهرها و دیـدوها و نوشیدن‌ها و عشـق‌ها و امیدهای‌شان از نگـاه، یک نسان توجه صورت گیرد. درواقع بی‌توجهی، تحقیر و سرکوب و سرزنش صورت گرفته است. روحانیت حاکم در این سال‌ها همواره از آن‌ها خواسته است که به اصول و پرنسیپ‌های اسلامی و بخصوص بـه روحانیت با دیده احترام نگاه شود ولی این حاکمان هیچ‌گاه حرمت دانشجویان را رعایت نکـرد دانـد و نخواستند دانشجویان را از آن طـرف کـه مـی‌خواهند زندگی و فعالیت کنند بپذیرند و این یکـی از عـلل مهمی است که دیگر در سطح دانشگـاه‌های کشـور روحانیت حاکم دارای پایگاه توده‌ای و دانشجویی نیسـت. در سیسـتم‌های فـعالیتی دانشجویان از عمده‌ترین راه‌های مشارکتی دانشجویان محسوب می‌شود. فعالیت‌های دانشجویی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی دانشجویی است و تجمع‌ها و اعتصابات و اعتراضات دانشجویی را باید در این عرصه تحلیل کرد.

امروز چنان که مشـاهده‌کـردیم دانشجویان بـه تحرک درآمده‌اند و به نوعی در حـال پسز دن ایـن رخوت و سکوت هستند. روحیات دانشجویی احتیاج به پیشبرد مسائل سیاسی، اجتماعی دارد و دانشجو علاوه‌بر تحصیل و فراگیری علم همواره بـه ایـن مسائل حساس است. البته در این روند دانشجویان نباید از مجلس، دولت و احزاب دولتی اصلاح‌طلب انتظار معجزه داشته باشند بلکه با حفظ استقلال خود به نقد حاکمیت بپردازند. در حال حاضر دانشجویان دنبال انقلابی‌کردن نیستند ولی ایـن بـدین مـفهوم نیست که می‌خواهند ساکت و راکد باشند. چـنین دانشجویی از آن چا که با نهادی هم چون دانشگـاه، ارتباط ارگانیک دارد، لذا حاوی آرمان‌های مدرن و پیشرفته است. دانشجویان به واسطه تبادل فکر و اندیشه و برخورد آزاد و عقاید از درک موضوعات سیاسی بهتر برمی‌آیند و بدان جهت مـی‌توانـند بـا لایه‌های پایین جامعه در ارتباط باشند. دانشجویان بعد از انقلاب از طبقات مختلف جامعه برخواسته‌اند. دانشجویان در زمره گروه‌های مرجع اجتماعی قلمداد می‌شوند. این ویژگی جنبش دانشجویی، در دوره کنونی که روند حرکت‌های دانشجویی با مشکلات و موانع زیادی روبرو گشته، می‌تواند مهم تلقی شود. زیرا آرمان‌خواهی جریانات دانشجویی در کشور موجب می‌شود با یاس و نـاامیدی کـه نـقطه مـقابل آرمان‌گرایی اسـت کنار گذاشته شـود و جـنبش دانشجویی با تاسی از آرمان‌های مدرن و نوگرا در ادامه راه استوار و مصمم‌تر گام برداد.

معمولا جنبش‌های دانشجویی عامل پیونددهندهٔ میان کـانون‌های روشنفکری از یک سو جـنبش اجتماعی از دیگرسو می‌باشند. جنبش دانشجویی به واسطه این که از لایه‌های مختلف جامعه مـی‌باشند مباحث روشـنفکری بـه رسـانه‌هـای تـقریبا اجتماعی متنقل می‌کنند و به یک اعتبار بازوان قوی هـر جـنبش اجـتماعی صـحنه‌های رقـابت سـیاسی مـحسوب مـی‌شوند. دانشجویان بـاید بـا حـوزه روشنفکری جامعه در ارتباط دائم بوده، تا بلکه بدین طریق بتوانند بر ضعف تئوریک خود فائق شود.

جـنبش دانشـجویی بـا درسـگیری از گـذشته می‌بایست به اشکال مختلف رابطه خود را با بیرون دانشگاه، تنظم و گسترش دهد. یعنی این که در حین ارتباط با بیرون و اقشار دیگر جامعه به دنبالهروی از آن‌ها نپردازد. درواقع جـنبش دانشجویی بـدون ارتباط با مردم در تنهایی و انزوا بسر خواهدبرد. در انتخابات دوم خرداد، دانشگاه و دانشجویان به عنوان گروه مرجع مردم در تصمیم‌گیری عمل نمودند و به دست گرفتن فضای دانشگاه و کنترل آن می‌توان اهرم فشار سیاسی مناسبی تـلقی گـردد. در حـال حـاضر تقریبا ۶۰۰۰۰۰ ۱/۶ دانشجو در سـراسر کشـور بـه تحصیل مشغول هستند این نیروی بزرگ می‌بایست به سمت سازماندهی نوعی ارتباط با خود یا خـارج بپردازد و سپس با بسط این ارتباط ایدهها و روابط خود را گسترش دهد. زیرا در چنین شرایطی امکـان سرکوب و ضربه‌پذیری کمتر شد ز زیرا خواسـت‌هـای سیاسی و اجـتماعی دانشجویی جـهت مـردمی و عـمومی پیدا مـی‌کند. در ایـن عـرصه در گـذشته تجربیات زیـادی وجـود دارد کـه مـناسب اسـت بـه اختصار به برخی از آن‌ها بپردازیم.